

انجمن حمایت از کودکان و نوجوانان توانیاب و انجمن احیای ارزش‌ها، هجده سال قبل توسط خسرو منصوریان، کسی که سابقه سال‌ها مددکاری اجتماعی را هم داشته‌است، راه‌اندازی شد. او پنج سال مدیر عامل مجتمع رعده بود ولی بعد از آن انجمن توانیاب را به منظور توانبخشی کودکان دارای معلولیت از بدو تولد تا شانزده سالگی راه‌انداخت. گسترش بیماری ایدز این فعال مدنی را به لزوم راه‌اندازی انجمنی برای حمایت از آسیب‌دیدگان اجتماعی راغب نمود. انجمن احیای ارزش‌ها به همین منظور تاسیس شد. با این فعال مدنی کهنه‌کار به گفت‌وگو نشستیم که می‌خوانید.



خسرو منصوریان، مدیر عامل انجمن احیای ارزش‌ها

نه سمن باید دولتی شود و نه دولت باید سمن‌ساز باشد

پرخاطر خود هستند کافی است و نیاز یک شهر دوازده میلیونی مثل تهران را جواب می‌دهد؟ آیا همه مردم در شهر زندگی می‌کنند یا بیشتر افراد در معرض خطر بیشتر در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند؟ همه می‌دانیم که افرادی که در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند بیشتر در معرض خطر هستند. ما تا چندسال پیش پدیده‌ای به نام زنان کارتن‌خواب نداشتیم ولی در این چندسال اخیر با پدیده زنان کارتن‌خواب مواجه هستیم. آیا این زن کارتن‌خواب در خیابان زعفرانیه یا میدان انقلاب و کنار دانشگاه تهران می‌خوابد یا در کنار پارک هنردی یا حاشیه میدان شوش؟ کارتن‌خوابی به دلیل بی‌خانمانی ایجاد می‌شود ولی به این معنی نیست که فرد فقط جایی برای خوابیدن ندارد. مسلماً این فرد غذایی برای خوردن هم ندارد. یک زن کارتن‌خواب برای اینکه نان به دست بیاورد چه باید بکند؟ آیا حرفه‌ای آموخته است و اگر در حرفه‌ای هم ماهر

مدیران سمن‌ها اشتباه نکنند که باید جای دولت بنشینند. سمن‌ها باید ایده بدهند و دولت از این ایده‌ها استفاده کند

کار پیدا کند تا در صورت نیاز دولت‌ها با پتانسیل و امکانات گسترده‌ای که دارند طرح‌های مفید را در حد وسیع و حتی مملکتی پیاده کنند. مثلاً ما در انجمن احیا ارزش‌ها، یک پایگاه سیار اطلاع‌رسانی^۱ و مرکز داوطلبانه برای مشاوره و تست اچ‌آی‌وی، ایدز داریم، در صورتی‌که کلینیک‌های بیماری‌های رفتاری دولتی در چهار منطقه از شهر تهران در شمال، جنوب، شرق و غرب وجود دارند، ولی آیا این چهار نقطه برای همه افرادی که نگران رفتارهای

در مورد عملکرد سمن‌ها در توانمندسازی گروه هدف از نگاه مدیریتی توضیح دهید؟ دنیای امروز به‌خصوص دنیای پیشرفته دمکراتیک، رمز موفقیت را پیدا کرده است. رمز موفقیت جامعه دمکراتیک تقویت جامعه مدنی است و بستر جامعه مدنی، سمن‌ها هستند. در واقع نه سمن‌ها باید دولتی شوند و نه دولت باید سمن‌ساز باشد. به عبارتی نه کاری را که سمن می‌تواند بکند دولت می‌تواند انجام دهد و نه کاری را که دولت باید انجام دهد را باید از سمن‌ها انتظار داشت. مثلاً در یک زلزله برخی از سمن‌ها فکر می‌کنند که چون نماینده نهادهای مردمی هستند و پدیده زلزله هم یک پدیده انسانی است، پس دولت باید کنار بنشیند و سمن‌ها این کار را سامان دهند. در یک زلزله اگر مدیریت توأم با نظارت دولتی بر کار سمن‌ها نباشد، این نهادها کاری از پیش نمی‌برند، حتی اگر جنبه بین‌المللی و جهانی و مدنی هم داشته باشند. از این‌رو به‌نظر من سمن باید در حوزه و محدوده خود ایده‌پردازی کرده و راه

1-Mobile clinic



باشد آیا کارگاهی هست که در آن کار کند؟ پس این زن کارتن‌خواب در میدان شوش برای تأمین موادمخدرش تن‌فروشی می‌کند. در کنار پدیده‌های مثل اعتیاد و تن‌فروشی، پدیده‌ای به نام ایدز را داریم. فردی که خودش مبتلا شده، جامعه را هم آلوده می‌کند. چنین فرد مشکوک به اچ.‌آی.‌وی در کجا باید تست بدهد؟ آیا به کلینیک‌های داوطلبانه، مشاوره و تست^۲ یا کلینیک‌های بیماری‌های رفتاری مراجعه می‌کند؟ اینجاست که نقش سمنی مثل "خانه خورشید" که در میدان شوش جایی را ایجاد کرده که این زن کارتن‌خواب بتواند در آنجا یک وعده غذای گرم بخورد، حمام برود و حداقل مسائل بهداشتی را آموزش ببیند، خودنمایی می‌کند. این زن برای تست اچ.‌آی.‌وی چه می‌تواند بکند؟ در اینجاست که سمنی مانند "انجمن احیا ارزش‌ها" که داوطلبانه تست و مشاوره محرمانه رایگان اچ.‌آی.‌وی را در قالب یک مینی‌بوس سیار راه‌اندازی کرده که در جاهای مختلف شهر حضور می‌یابد و خدمات می‌دهد، خودنمایی می‌کند. توان این سمن این است که یک دستگاه مینی‌بوس را به‌یورت یک پایگاه سیار درآورد. حتماً با یک دستگاه مینی‌بوس مشکل به این بزرگی حل نمی‌شود. برای نخستین بار انجمن حمایت و یاری آسیب‌دیدگان اجتماعی (احیا ارزش‌ها) ایده مرکز داوطلبانه تست و مشاوره محرمانه را از دیگر کشورهای دنیا گرفت و کلینیک‌های مثلثی را به پایگاه سیار تست و مشاوره محرمانه اچ.‌آی.‌وی تبدیل کرد. پس از آن است که شهرداری تهران به کمک وزارت بهداشت و درمان و سازمان بهزیستی و ده‌ها سازمان دیگر مثل راهنمایی و رانندگی و وزارت اطلاعات و... دست به دست هم می‌دهند و اتوبوس ایدز را درست می‌کنند. یعنی دولت از سمن‌ها ایده و الگو می‌گیرد. در حال حاضر موبایل کلینیک انجمن احیا ارزش‌ها در هر نقطه این شهر از میدان انقلاب، راه‌آهن، پارک دانشجو، پارک ملت، میدان قدس و... می‌تواند بایستد و اطلاع‌رسانی کند. مجوز این کار را هم پلیس راهنمایی و رانندگی و دیگر ارگان‌های ذی‌ربط می‌دهند که این مرکز موبایل کلینیک در این نقاط بایستد و مردم دور آن جمع شوند، چون قبلاً از طریق بخشنامه با اداره راهنمایی و رانندگی و شهرداری هماهنگ شده‌است.

سمن‌ها باید غیرانتفاعی و غیردولتی باشند. چنانچه سمنی از نظر مالی به دولت وصل شود، حتماً نقص قرض است

برای مثال دولت، در آذر ماه سال گذشته که مصادف با اول دسامبر روز جهانی ایدز بود، یک اتوبوس ایدز به‌طور سمبولیک همراه تابلوهای تبلیغاتی را در خیابان قرار داد ولی امسال یک اتوبوس به سه اتوبوس افزایش یافت. در حقیقت این انجمن احیا ارزش‌ها بود که این فکر را مطرح کرد و گرچه سال‌ها با مقاومت مقامات دولتی در دولت نهم روبه‌رو شد، ولی بالاخره به نتیجه رسید. سمن به‌عنوان یک نهاد غیرانتفاعی، غیردولتی و عام‌المنفعه می‌تواند سال‌ها پشت در وزارت کشور و اداره بهزیستی منتظر بماند و دلسرد نشود.

سمنی مثل انجمن احیا ارزش‌ها یا مراکز توانیاب، یک ریال هم از دولت نگرفته تا اگر امروز دولت از او چیزی بخواهد، مجبور به انجام بلاشروط آن باشد. بنابراین سمن‌ها باید غیرانتفاعی و غیردولتی باشند. چنانچه سمنی از نظر مالی به دولت وصل شود، حتماً نقص قرض است. کارسیاسی در بستر سمن مطلقاً مردود است. در ابتدای بحث اشاره کردم که کشورهای دمکراتیک برای اینکه دمکراسی در کشورشان پا بگیرد و بستر جامعه مدنی فراهم شود، فعالیت و گسترش سمن‌ها را تشویق کردند. این خودش فکر سیاسی است. اگر ما تحت یک عنوان فریبدهنده و ظاهرالصلاح بگوییم "سمن خرج دارد" و بیاییم یک واحد اقتصادی با انگیزه دستیابی به حداکثر سود در کنارش ایجاد کنیم که از طریق آن تولید درآمد کنیم تا بدینوسیله مجارج سمن تأمین شود، این هم غلط است. چون به مرور، در این سمن بسته خواهد شد و آن کار اقتصادی رونق می‌گیرد و

مدیران سمن تبدیل به مدیران بخش خصوصی انتفاعی می‌شوند. بنابراین سمنی که باید ایده‌پردازی کند، حتماً باید غیردولتی و غیرانتفاعی باشد. سمن‌ها باید عام‌المنفعه باشند. یعنی همه آحاد جامعه مدنی می‌توانند از خدمات این نهاد بهره‌مند شوند و تفاوتی میان ادیان و مذاهب و ملیت‌های مختلف در بهره‌مندی از خدمات هیچ سمنی وجود ندارد. اگر دولت‌ها از مردم نترسند و اجازه فعالیت در یک بستر دموکراتیک را به آنها بدهند، بهترین و ارزشمندترین خدمات را می‌توان توسط مردم، از جیب مردم و به وسیله مردم برای کشور به‌دست بیاورند.

شما به‌عنوان یک مدیر انجمن غیردولتی و غیرانتفاعی، منابع مالی‌تان را از کجا تأمین می‌کنید؟

ما یک ریال هم از دولت نمی‌گیریم. این مکانی که در آن ساکن هستیم متعلق به شخص خیری است که خانه‌اش را در اختیار بچه‌های دارای معلولیت از بدو تولد تا پانزده سالگی قرار داده است که به‌طور رایگان خدمات توانبخشی دریافت کنند. در صورتی‌که مراکز دولتی و کلینیک‌های توانبخشی سازمان بهزیستی که امکاناتش دولتی است و اساساً برای همین موضوع درست شده‌اند، خدمات توانبخشی را به رایگان ارائه نمی‌دهند. اگر کودکی که معلولیت دارد به کلینیک مولوی یا دکتر قریب برود از او پول می‌گیرند. دانشکده توانبخشی وقتی کودک دارای معلولیتی را می‌پذیرد، جنبه آموزشی هم دارد، و با این وجود از او پول هم می‌گیرند! اما انجمن توانیاب به‌طور مجانی به این کودک انواع خدمات توانبخشی را ارائه می‌دهد. این خدمات برای این مرکز، جلسه‌ای ۷۰ هزار تومان تمام می‌شود که بخشی از این هزینه‌ها توسط مدیران انجمن تأمین می‌شود و قسمتی هم از صدقات و کمک‌های مردمی تأمین می‌شود.

لطفاً توضیحی در مورد سابقه فعالیت خود در این انجمن و چگونگی راه‌اندازیش بدهید؟

حدود هجده سال پیش در همین مکان، دو انجمن راه‌اندازی کردیم؛ یکی انجمن حمایت از کودکان و نوجوانان توانیاب و دیگری انجمن حمایت و

یاری آسیب دیدگان اجتماعی یا همان انجمن احیا ارزش‌ها.

حدود بیست و پنج سال پیش، ما کلمه توانیاب را جایگزین کلمه معلول کردیم. چون افراد دارای معلولیت، از کلمه معلول که به معنای مریض و علیل است خوششان نمی‌آمد. این شد که ما دو کلمه "توانستن" و "یافتن" را با هم تلفیق کرده و جایگزین کلمه معلول نمودیم. همین نگاه مثبت مانع قضاوت منفی می‌شود.

پنج سال مدیرعامل مجتمع رعده بودم. وقتی این مجتمع سازماندهی شد و شکل گرفت در یکی، دو شهرستان دیگر هم براساس همین الگو مجتمع توانیابان را ایجاد کردیم و آنجا بود که به این فکر افتادم که چرا بگذاریم کودکی به سن پذیرش در مجتمع رعده، یعنی شانزده سالگی برسد و بعد رویش خدمات توانبخشی حرفه‌ای انجام دهیم. کودکی که با فلج مغزی به دنیا می‌آید اگر در همان دوران تحت درمان‌های توانبخشی یا جراحی قرار بگیرد بسیاری از مشکلاتش حل می‌شود. یا کودکی که با مشکل حلزون گوش به دنیا می‌آید، اگر تا چهار سالگی کاشت حلزون برایش انجام نشود تا آخر عمر ناشنوا باقی می‌ماند. این بود که به فکر افتادیم در وقت طلایی^۲ زندگی کودکان، جلوی گسترش محدودیت‌های جسمی و حرکتی آنها را بگیریم. این شد که ۱۸ سال پیش انجمن حمایت از کودکان و نوجوانان توانیاب را تاسیس کردیم تا به کودکان دارای مشکلات جسمی و حرکتی از بدو تولد تا پانزده سالگی خدمات فیزیوتراپی، کاردرمانی، گفتاردرمانی، بازی درمانی، هنر درمانی و آب درمانی را به‌طور رایگان ارائه دهیم. جالب است بگویم که درصد بالایی از کودکانی که در این مرکز خدمات دریافت می‌کنند، عموماً به مراکز مثل رعده سروکارشان نخواهد افتاد چون آنها در همان زمان طلایی توانمند شده و توانسته‌اند وارد مدارس عادی و دانشگاه شوند. گرچه ممکن است از لحاظ جسمی با دیگران تفاوت‌هایی هم داشته‌باشند. افراد دارای معلولیت نیاز به دادن امتیاز خاصی در جامعه ندارند، آنها احتیاج دارند که با دادن امکانات برابر، میان آنها و افراد تندرست تفاوت قائل نشویم. مثلاً طبق قانون، سه درصد استخدام کشوری به آنها تعلق گیرد. اگر خلاف این قانون عمل شود آنها را از حقوق اجتماعی‌شان محروم کرده‌ایم. من خودم رشته مددکاری اجتماعی

**سمن به‌عنوان
یک نهاد غیرانتفاعی،
غیردولتی و عام‌المنفعه
می‌تواند سال‌ها
پشت در وزارت کشور و
اداره بهزیستی منتظر بماند
و دلسرد نشود**

وارد فاز جنسی شده است. با توجه به این مسائل و پدیده‌هایی مثل زنان کارتن‌خواب تن‌فروش، کودکان خیابانی، پدیده اعتیاد، انجمن حمایت و یاری آسیب‌دیدگان اجتماعی (انجمن احیا ارزش‌ها) را همان هجده سال پیش در همین مکان تاسیس کردیم و تا امروز هم کار می‌کنیم. مؤسساتی هم با همین الگو در ۹ شهر ایران مثل مشهد، کرمان، شیراز، اراک، اصفهان، کرج، تبریز و... ایجاد کرده‌ایم. مجوز ما مجوزی در سطح ملی است.

**انجمن احیا ارزش‌ها به جز کار روی بیماری
ایده چه خدمات دیگری را ارائه می‌دهد؟**

ما یک خط تلفنی اورژانس اجتماعی^۱ داریم که از ساعت هشت صبح تا پنج و نیم بعد از ظهر پنج نفر از کارشناسان ارشد روانشناسی پشت خط آن می‌نشینند و به افرادی که مشکلات اجتماعی دارند مشاوره می‌دهند. این روانشناسان به سؤالات مردم آسیب‌دیده جواب می‌دهند. از طریق آمار به این نتیجه رسیدیم که درصد بالایی از مراجعین ما را افرادی تشکیل می‌دهند که رفتار پرخطر دارند و نگران ابتلا به اچ‌ای، وی‌ایدز هستند. در عین حال به یک‌سری از زنانی برخورد کردیم که از طریق همسرشان به بیماری اچ‌ای، وی مبتلا شده‌اند و فرزندشان با ویروس ایدز به دنیا آمده است. ما این گروه را هم به خدمات خود اضافه کردیم و مقرر کردیم که اگر زنی از طریق همسرش مبتلا به ایدز شده‌باشد و بچه‌ای مبتلا

خوانده‌ام و قبل از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۴۷ جزو تیم تحقیقاتی روسپیگری در شهر تهران بودم و در جاهایی مانند شهرنو، کلانتری‌ها و زندان‌ها فعالیت می‌کردیم. خانه‌هایی که در این مکان‌ها بودند مرتباً تحت نظارت بهداشتی قرار داشتند و بیماری خانمان‌سوزی مثل اچ‌ای، وی و ایدز هنوز در جامعه وجود نداشت. ولی حالا بیماری مثل ایدز وجود دارد که هر روز هم گسترش پیدا می‌کند. حدود سی و پنج سال است که ویروس اچ‌ای، وی کشف شده و در بسیاری از کشورها که خیلی زود این بیماری خطرناک را جدی گرفتند، توانستند موارد ابتلای جدید را به صفر برسانند ولی کشور ما در حالی که متوسط سن تن‌فروشی امروزه به ۱۴ سالگی رسیده‌است، انتقال بیماری



به ایدز به دنیا آورده باشد، اگر شوهرش در اثر این بیماری مرده باشد، مستمرا را به صورت ماهانه برای تهیه نیازهای اولیه پرداخت می‌کنیم و از طرف دیگر این بانوان را هم جهت حرفه‌آموزی به آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای می‌فرستیم تا حرفه‌ای بیاموزد و کار کند و هزینه زندگی خود و فرزندانش را تأمین کند و تا ناخواسته مجبور به تن‌فروشی نشود. به این زنان، هم آموزش‌های لازم داده می‌شود، هم کمک مالی داده می‌شود و همچنین از این بانوان یک آموزشگر همسان می‌سازیم. ما به این افراد، مادران حامی سلامت می‌گوییم. این افراد را به دانشگاه‌های مختلف می‌بریم تا به دانشجویان در مورد چگونگی ابتلا به بیماری و راه‌های پیشگیری و درمان آموزش دهند. ما در انجمن احیا ارزش‌ها مرکز داوطلبانه برای مشاوره و تست اچ.ای.وی، ایدز داریم که افراد جامعه می‌توانند به آن مراجعه کنند و به صورت کاملاً محرمانه مورد مشاوره و راهنمایی و تست قرارگیرند و چنانچه نیاز به پیگیری داشته باشند به کلینیک‌های بیماری‌های رفتاری وزارت بهداشت ارجاع داده می‌شوند تا آزمایشات تکمیلی و قطعی رویشان انجام شود. خوشبختانه امسال وزیر بهداشت رسماً اعلام کرد که، در کشور حدود صد هزار نفر مبتلا به ایدز داریم که فقط سی هزار نفر از آنان شناخته شده هستند و هفتاد هزار نفر دیگر نه خودشان می‌دانند که مبتلا هستند و نه ما آنها را می‌شناسیم. از این سی هزار نفر شناخته شده هم تنها سی درصدشان دارو مصرف می‌کنند این افراد به دلیل ترس از انگ و تبعیض حاضر به گرفتن دارو که رایگان هم هست، نیستند. متأسفانه این مشکل در مدارس هم دیده می‌شود و اگر حاکمیت به فکر راه حل عاجلی نباشد و رسانه‌ها و صداوسیما، تدابیری نیاندیشند، با آینده خطرناکی روبه‌رو خواهیم بود.

چگونه خدمات خود را اطلاع‌رسانی می‌کنید؟

ما مجله‌ای به نام احیا داریم که به صورت فصلی چاپ می‌شود و در مورد آسیب‌های اجتماعی در جامعه اطلاع‌رسانی می‌کند. سایت انجمن با آدرس www.spasid.ir و همچنین سایت انجمن حمایت از کودکان و نوجوانان توانیاب با آدرس www.tavanyab.ir در اختیار علاقمندان است.

خط اورژانس اجتماعی ما با شماره تلفن‌های ۶۶۹۰۱۰۱ و ۶۶۹۰۳۵۲۴ در خدمت مردم و آسیب دیدگان اجتماعی

سمن‌ها
باید عام‌المنفعه باشند.
یعنی همه‌آحاد جامعه می‌توانند از
خدمات این نهاد بهره‌مند شوند و
تفاوتی میان ادیان و مذاهب و ملیت‌های
مختلف در بهره‌مندی از خدمات هیچ
سمنی وجود ندارد

است که از طریق راهنمای اطلاعات تلفنی ۱۱۸ نیز قابل دسترسی است.

سمن‌ها در مدیریت برنامه‌های خود با چه چالش‌هایی روبه‌رو می‌شوند؟

چالش‌های متنوع و فراوانی پیش روی سمن‌هاست. نخستین چالشی که با آن روبه‌رو هستیم عدم‌آشنایی و آگاهی جامعه با نظام ان جی اوی است. جامعه ما بیش از صدسال است که خدمات اجتماعی و عام‌المنفعه را توسط مؤسسات خیریه انجام می‌داده و هنوز هم انجام می‌دهد. کاروانسراها که در جای جای ایران وجود داشته‌اند یا آب انبارها و پرورشگاه‌هایی که وجود داشتند همه عام‌المنفعه بوده‌اند. اما امروزه در بسیاری از این فعالیت‌ها تنوع و تحول ایجاد شده است. امروزه دیگر درست نیست که پرورشگاهی داشته باشیم چون کودکی که در پرورشگاه بزرگ می‌شود نیازهای عاطفی و عواطف انسانی‌اش تأمین نمی‌شود. متأسفانه جامعه سنتی ما مفهومی که از یتیم می‌شناسد این است که او باید در یتیم‌خانه زندگی کند، در صورتی که امروزه مراکز شبیه خانواده باید وجود داشته باشند. امروزه در همه جای دنیا کار پیشگیری را انجام می‌دهند ولی ما پیشگیری منفی داریم. می‌خواهیم بگوییم مبارزه با آسیب‌های اجتماعی یا مبارزه با اعتیاد به معنی جنگ نیست. یک معتاد یک بیمار است و به جای مجازات باید مداوا شود، یعنی نگاه ما باید متفاوت شود. با این توضیحات الان ما کودک خیابانی داریم، زنان کارتن‌خواب داریم، زن معتاد داریم. دولت این افراد را جمع می‌کند ولی کجا می‌خواهد این افراد را نگه دارد؟ انداختن افراد معتاد به زندان باعث شد که تعداد

معتادان چند برابر شدند. بنابراین خدمات اجتماعی یک علم است و روش‌های سنتی دیگر پاسخگو نیستند. تا به امروز، یک مورد هم گزارش نشده که کسی از طریق خدمات دندان‌پزشکی ایدز گرفته باشد. اگر مادری که فرزندش مبتلا به ایدز است به مدیر مدرسه این را بگوید، مدیر مدرسه او را ثبت نام نمی‌کند. یا اگر به دندان‌پزشک بگوید که این بچه ایدز دارد بیرونش می‌کند. این عدم‌آگاهی جامعه است. وقتی نماینده مجلس ما که می‌گوید که بچه دارای معلولیت نباید در مدارس عادی درس بخواند تکلیف بقیه مردم معلوم است!

اگر حکومت به مردم اعتماد کند و فرصت کوشش و خطا برای آنها قائل شود، مسلماً جامعه دمکراتیکی خواهیم داشت.

چه توصیه‌ای به سمن‌های حاضر در ایران دارید؟

کسانی باید در سمن کار کنند که اعتقاد و روحیه دمکراتیک و نگرش شورایی داشته باشند.

از طرفی سمن‌ها هم باید الگوهای مدرن را مطالعه کنند و علمی‌تر عمل کنند. برای مثال یکی از نمونه‌های موفق و خوب در کشور ما کهریزک است که یک سمن پنجاه ساله است، ولی بهزیستی سعی می‌کند آن را دولتی کند. دولت‌ها سعی می‌کنند یک قوت بخور و نمیر به سمن‌ها بدهند و آنها را زیر پرچم خود بیاورند و روی تابلویشان بنویسند زیر نظر فلان سازمان دولتی! بعضی از سمن‌ها هم برای اینکه کوشش نکنند و با جلب مشارکت، از جامعه امکانات کسب نکنند، زیر بار این مسئله می‌روند. پس یکی از چالش‌ها این است که سمن‌ها دولتی نشوند. دولت نظارت داشته باشد ولی دخالت نکند. دولت به اندازه کافی سازمان‌های زیرمجموعه دارد و اگر بخواهد می‌تواند الگوسازی کند و الگویی برای سمن‌ها باشد ولی نباید کار برعکس باشد، یعنی دولت بخواهد مردم کار کنند و به نام او تمام شود. امیدوارم که تفکر سمنی در میان مردم کشور ما گسترده‌تر شود و دولت‌ها هم به جای اینکه سمن‌ها را رغیب خود بدانند با آنها همکاری کنند، تا شاید روزی شاهد جامعه‌ای امن و سلامت شویم.

به امید آن روز